

جناب حیدر قبل علی علیه بهاء الله الابهی

### هو الکریم ذو الفضل العظیم

جذب و ولهی در مدینه عشاق ظاهر چه که جوهری از جواهر ثمینه قصد کان خود نموده و عاشقی از عشاق سبقت گرفته و خود را در سیبل مقصود عالمیان فدا کرده انّ الذّنب افترس و الظّالم عقر و التّعبان فاغر و بلع سبحان الله اعمالیکه سبب حیرت ملاً اعلی است در عباد جاهل تأثیر نموده جذب ایّام و ظهور انوار و بروز اسرار امام وجوه مشهود و لکن بی اثر مشاهده میشود و بی ثمر ملاحظه میگردد چه که عصیان سدره استحقاق را قطع نموده و رجا را از قلوب محو کرده الی حین در وجود عباد نور امر و لطافت آن و جوهریت آن ظاهر نه از حق بطلب تبدیل فرماید تغییر دهد آنّه هو الجواد الکریم

حی علیک نور الله و رحمته و عزّ الله و عنایته واقعه ارض صاد را سبب عدم فساد بوده اراده ظالمین و قصدشان چون مقبول نیفتاد بر ظلم قیام نمودند آنجناب شاهد و مقرّبین و مخلصین گواه که اینمظلوم بجنود مواعظ و نصایح و حکمت و بیان آن نفوس را حفظ نمود و لکن نظر بعدم ذکر این عنایت کبری مستور مانده و سترش عند الله اولی از جهر آنهم برینون ممّا اعمل و انا برئ ممّا يعملون و لکن اولیا طراً را بصبر و اصطبار و صیّت مینمائیم باید کل بافق اعلی ناظر باشند امور را بحق جلّ جلاله تفویض کنند طوبی للمتوکّلین الّذین توکّلوا فی الامور علی الله مالک یوم النّشور یقین مبین بدان این ظلمهای وارده عظیمه تدارک عدل اعظم مینماید ظلم فرعون عدل موسی را تدارک نمود و ید اقتدار از بیت او ظاهر کرد آنچه را که بتمام جد و جهد از آن احتراز مینمود و در رفعتش میکوشید شوکه الله فوق شوکتهم و امر الله فوق اوامرهم و اراده الله فوق اراداتهم

نامه آنجناب که باسم جود ارسال نمودید در ساحت مظلوم حاضر و آنچه مذکور باصفا فائز طلب شهادت نمودید و مقامش را از حق جلّ جلاله از قبل و بعد سائل شده‌اید و قلم اعلی شهادت میدهد بر شهادت شما اشکر ربّک بهذا الفضل المبین

در باره سلطان الشّهدا قبل از شهادت ظاهره قلم اعلی بر شهادتش شهادت داده و باینکلمه علیا ناطق انّ الشّهد یمشی و یتکلم و یخدم امر مولا چند سنه قبل از صعود در دفتر شهدا اسمش از قلم اعلی مذکور و مسطور امروز خدمت شما و نصرت امر اعظم است از هر عملی سبحان الله کورهای عالم از مشاهده محرومند و کرها از اصغا ممنوع یا ایّها النّاطق باسمی و الذّاکر بثنائی اغنام الهی ما بین ذیاب محصورند حارس و حافظی جز حق نداشته و ندارند و آنجناب باید بکمال حکمت حرکت نماید و بآنچه الیوم لازمست تمسّک جوید اوّل آنکه در قری و مداینیکه نار فتنه مشتعل توجّه بآنشطر جایز نه عدل و انصاف در ایران بمثابة عنقا شده مدّتی بود که حضرت سلطان در حفظ اغنام الهی همّت گماشته بود در هر صورت از سایر عباد رجحان داشته و دارند شفقت و رحمت و عنایتش نسبتی بسایرین نداشته و ندارد از ارض صاد مفتریاتی ذکر نموده و ارسال داشته‌اند انا لا نحبّ ان نظهر ما هو المستور خلف سرادق العلم و ثانی اولیاییکه در باسا و ضرّاً مضطرب و خائف مشاهده میشوند باسی بر آن نفوس نه چگونه است حال مرغیکه عقاب بیند و حال غنمیکه از اطراف ذیاب مشاهده کند کمال مرحمت را باید در باره آن نفوس مبذول داشت و اگر هم امر خلافی و یا کلمه نالایقی از ایشان ظاهر شود باید بصبر جمیل تمسّک جست و بستر اکبر که از نتایج اسم ستّار الهی است تشبّث نمود چه اگر ترک اولی از بعضی ذکر شود سبب حزن آن بیچاره و انفعال او شود و این لدی الله محبوب نه حالت اینمظلوم بر کل معلوم است و اراده‌اش واضح و هرگز ملاحظه حفظ خود ننموده و نمینماید در لوح حضرت سلطان اینکلمه علیا از قلم اعلی نازل که معنی آن بفارسی اینست اینمظلوم جالس است در تحت سیفیکه بخیطی یا شعری معلق معلوم نیست حال وارد شود و یا ساعت دیگر و یا یوم دیگر بکرات در حبس رفتیم و در کوچها و بازارها مثل اسرا ما را گرداندند و جمیع آنچه وارد شد و حمل نمودیم مقصود آنکه عموم اهل عالم از

ضعینه و بغضا مقدّس شده بنور محبّت و مودّت و اتّفاق منور گردند باری این ایّام توجّه بارض شین و صاد جایز نه نفوس مقبله ثلثه و رابع علیهم بهاء الله را دوست و دشمن هر دو موجود شیاطین ارض و ذیاب آن در صدد بوده و هستند لذا ورود آنجناب در آن ارض مصلحت نه در ارض صاد باید حال نفسی از اهل آن ارض بر خدمت قیام نماید و بحکمت تمسک جوید و بنور بیان افتده و قلوب را منور نماید نسئل الله ان یبعث فیها من یدکرنی و ینصرنی و لا یمنعه الظلم عن العدل و لا الضوضاء عن الاستقامة علی نبأ الله ربّ العرش العظیم

و این ایّام ذکر اسامی اولیا بر رؤس الواح مقدّسه جایز نه ولکن من غیر اسم عدد اسم اعظم الواح منزله بخطّ غصنین و خادم و عدد ها بخطّ غصن اکبر ارسال شد باسم جود امر نمودیم تفصیل اعطاء الواح را مذکور دارد  
ذکر جناب میرزا مهدی خا علیه بهاء الله را نمودید آنه معه یشهد و یری و هو السّميع البصیر بعنایت حق مطمئن باشند و بفضلش موقن لله الحمد از اول ایّام از کوثر بیان آشامیدند و از رحیق مختوم قسمت عظیم بردند او و اولیای آن ارض را سلام و تکبیر میرسانیم و بانوار تجلیات آفتاب حقیقت بشارت می‌دهیم در این ایّام مجدّد ذکرشان از قلم اعلی نازل لو نشاء نرسله فضلاً من عندنا ان ربک هو الفضال الکریم

اولیای آن اطراف طراً را از قبل مظلوم ذکر نما بگو از ظلم ظالمین محزون مباشید نسئل الله تبارک و تعالی ان یرفکم مقامات الّذین اقبلوا و اجابوا اذ ارتفع النداء بین الارض و السّماء و شربوا رحیق الاستقامة من هذه الکأس الّتی تفتخر علی البحور

یا حیدر قبل علی علیک بهائی قل

الهی الهی عندک کنوز الابصار و الآذان اسئلک بعینک الّتی لا تنام و باسمک الّذی به سخرت الانام و ببحر آیاتک و ملکوت بیانک بان لا تحرم عبادک عن المشاهدة و الاصغاء انک انت مولی الوری لا اله الا انت الفضال البصّار صلّ اللهمّ یا الهی علی اصفیائک و امنائک الّذین ما خوفتهم اسیاف العالم و ما منعتهم سبحات الّذین کفروا الّذین انت المقتدر العلیم الحکیم